



## **An In-Depth Analysis of Contemporary Orientalist Quranic Studies, with a Focus on the United States \***

Seyyed Hossein Alavi<sup>1</sup> and Mohammad Hossein Mohammadi<sup>2</sup>

### **Abstract**



The study of the Quran and efforts to comprehend its teachings have gained significant momentum in Western societies, particularly in the United States. This article aims to provide a comprehensive overview of the main trends in Orientalist Quranic studies in the present era, with a specific emphasis on American scholars. Employing a descriptive-analytical method and a critical approach, it examines the nature of these scholars' engagement with the Quran and Quranic matters. By tracing historical developments, five prominent trends are identified and analyzed: traditionalist, polemical-evangelical, skeptical, scientific-critical, and approach-oriented. The findings reveal that Quranic studies within this field have witnessed positive and progressive advancements, despite challenges such as political influence and extremist religious movements infiltrating academic circles. While the polemical-evangelical trend initially dominated Quranic studies in this area and the skeptical trend gained prominence in the late twentieth century, the prevailing trend today is the scientific-critical approach. This approach is characterized by a more empathetic perspective and a fair evaluation of the Quran.

**Keywords:** Orientalist Quranic Studies Trends, American Quranic Studies, Traditionalist Trend, Polemical-evangelical Trend, Skeptical Trend, Scientific-critical Trend, Approach-oriented Trend.

---

\*. **Date of receiving:** 12 November 2022; **Date of correction:** 22 January 2023; **Date of approval:** 09 June 2023.

1. Assistant Professor and Researcher of Al-Mustafa International Research Center, from Afghanistan; (syedhosein\_alaviiri@miu.ac.ir)..

2. Assistant Professor and Faculty Member, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (mhmtafsir@yahoo.com).



## تحلیل جریان های اصلی قرآن پژوهی مستشرقان معاصر (با تأکید بر آمریکا)\*

سیدحسین علوی<sup>۱</sup> و محمدحسین محمدی<sup>۲</sup>



### چکیده

امروزه شاهد رونق مطالعات قرآنی و تلاش برای درک آموزه های آن در جوامع غربی، از جمله ایالات متحده آمریکا هستیم. در این مقاله سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد انتقادی، جریان های اصلی قرآن پژوهی مستشرقان در دوره معاصر، البته با تأکید بر قرآن پژوهان آمریکایی، ماهیت و وضعیت تعامل آنها با قرآن و مسایل قرآنی، تا حدودی روشن شود. طبق سیر تاریخی، پنج جریان اصلی: جریان سنتی؛ جریان جدلی - تبشیری؛ جریان تشکیکی؛ جریان علمی - انتقادی؛ و جریان رهیافتگان مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه این بوده که مطالعات قرآنی در این حوزه، با وجود مشکلاتی مثل نفوذ کانون های سیاسی و جریان های تند مذهبی بر محافل علمی، دارای سیر مثبت و روبه رشدی بوده است. به رغم قدرت جریان جدلی - تبشیری در آغاز قرآن پژوهی این حوزه و نیز نفوذ جریان تشکیکی در اواخر سده بیستم، جریان غالب امروز، جریان علمی - انتقادی است که دارای نگاهی همدلانه تر و آرای منصفانه تر نسبت به قرآن محسوب می شود.

**واژگان کلیدی:** جریان های قرآن پژوهی مستشرقان، قرآن پژوهی آمریکا، جریان سنتی، جریان جدلی - تبشیری، جریان تشکیکی، جریان علمی - انتقادی، جریان رهیافتگان.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹.

۱. استادیار و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی ص العالمیه، کشور افغانستان «نویسنده مسئول»:

syedhosein\_alaviiri@miu.ac.ir

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیه. قم، ایران؛ mhmtafsir@yahoo.com

## درآمد

با در نظر داشت تأخر اسلام‌شناسی ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه اسلام‌شناسی آکادمیک آن، و تازه تأسیس بودن رشته مطالعات اسلامی، وضعیت مطالعات قرآنی این حوزه نیز تا حدودی روشن خواهد شد؛ زیرا شکل‌گیری رشته مطالعات قرآنی از ثمره‌های دیررس رشته مطالعات اسلامی است. وقتی رشته مطالعات اسلامی در آمریکا هنوز در مراحل آغازین و نوپاست، به تبع سخن‌گفتن از قرآن‌پژوهی یا مطالعات قرآنی به‌عنوان یک رشته علمی و آکادمیک موجه به نظر نمی‌رسد. در واقع، جریان مطالعات قرآنی ایالات متحده فعلاً صورت فردی داشته و یا وابسته به نهادهای خاص بوده و ورود برخی مراکز علمی به این موضوع نیز در حد برنامه‌ها، دوره‌ها یا پروژه‌های مقطعی است.

هرچند قرآن‌پژوهی آمریکا در دهه‌های پایانی سده بیستم، رونق گرفته است؛ اما تا قبل از آن، یعنی اواخر سده نوزده و اوایل سده بیستم، نیز شاهد آثاری معدودی در حد معرفی قرآن و یا بهره‌برداری کلی در مقاصد خاص مثل مسایل ادبی، سیاسی و یا کاربرست آن در درون جریان تبلیغی-تبشیری ضد اسلامی هستیم.

پرداختن به موضوع پیدایش و سیر تطور اسلام‌شناسی و مطالعات قرآنی در ایالات متحده نیازمند بحثی مستقل است. در این مقاله به جریان‌های اصلی مستشرقان آمریکایی که در باب قرآن و مسایل قرآنی اقدام به ارائه دیدگاه و تألیف اثر کرده‌اند، پرداخته شده است. در این راستا، طبق سیر تاریخی، پنج جریان اصلی: جریان سنتی، جریان جدلی-تبشیری، جریان تشکیکی، جریان علمی-انتقادی، و جریان رهیافتگان مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

### ۱. جریان سنتی

نخستین جریان اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در محافل علمی موسوم به جریان سنتی است که غالباً دارای رویکرد تفسیری-توصیفی هستند. این جریان از سوی جریان تشکیکی متهم به تحقیق در چارچوب مدنظر مسلمانان و تلقی منابع صدر اسلام مطابق با مبانی و عرف دانش‌پژوهی خود مسلمانان است. در واقع، مبانی اصلی مسلمانان را درباره حدیث و قرآن به‌عنوان پیش‌فرض تحقیق خود می‌پذیرند (نو و کورن، رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲). دانر، کتاب ادوارد گیون، «تاریخ ظهور و سقوط امپراطوری روم»، را جزو نخستین آثار علمی این جریان تلقی کرده است (Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 5-6). چالز جوزف آدامز (Charles Joseph Adams)، اسلام‌شناس آمریکایی نیز جزو این جریان



است و در تألیف کتاب «نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان» مشارکت دارد که حاصل نشست جمعی از محققان آمریکایی و کانادایی، در ژانویه ۱۹۸۰، در دانشگاه ایالتی آریزوناست (بنگرید: مارتین، نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۸). ریچارد سی مارتین، از دیگر افراد این جریان است و کتاب «نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان» ویراسته وی است که از سوی برخی طرفداران رویکرد شک‌گرایی، به‌عنوان نخستین گام در جهت رویکرد سنتی و واکنشی در برابر خیزش تجدیدنظرطلبی یا همان شک‌گرایی تلقی شده است (بنگرید: نوو و کورن، رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲). دالر، افرادی مانند مارشال گودوین هاجسون، فیلیپ حتی خوری و آلبرت حورانی را نیز دارای رویکرد تفسیری-توصیفی معرفی می‌کند که جزو این جریان محسوب خواهند شد (Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 7).

پیش فرض‌های اصلی پژوهش‌گران این جریان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. متن قرآن به‌عنوان منبعی موثق برای تاریخ حیات و تعلیمات پیامبر  $\alpha$  از وثاقت و اعتبار تاریخی برخوردار است.
۲. گزارش‌های تاریخی موجود در منابع تاریخی صدر اسلام، یعنی همان اخبار، حاوی اطلاعات مفیدی در باب «آنچه در واقع رخ داده» هستند.
۳. احادیث منسوب به پیامبر  $\alpha$  به‌مثابه ادبیات دینی تلقی شده و از اخبار تاریخی متمایزند؛ در نتیجه، مستقیماً در بازسازی تاریخ صدر اسلام کاربرد ندارند. این رویکرد از این جهت به‌وضوح از دانش سنتی اسلامی که احادیث را نیز به‌عنوان شواهد تاریخی در نظر می‌گیرند، جدا می‌شوند (ibid: 6).

### تحلیل

۱. به اذعان خود محققان غربی این جریان با اصرار بر استفاده از منابع اسلامی در بازسازی تاریخ اسلامی، سهم مهمی در پیشرفت روش تاریخی در مقابل مطالعات جدلی ضداسلامی که از قرون وسطی تا قرن هجدهم بر مطالعات اسلامی غرب سیطره داشت، ایفا کرده است (ibid: 5) و بدین طریق از هجمه‌های صرفاً جدلی ضد اسلامی تا حدودی کاست.
۲. باید توجه داشت که هرچند این رویکرد به‌زعم برخی مستشرقان کاملاً متکی به منابع و مبانی اسلامی هستند (نوو و کورن، رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲)؛ در بسیاری موارد با آرای قاطبه اندیشمندان اسلامی تضاد داشته و مورد نقد اندیشمندان مسلمان قرار گرفته‌اند؛ زیرا اولاً به تصریح دالر این جریان در بحث استناد به احادیث به‌عنوان شواهد تاریخی از دانش سنتی

اسلامی جدا می‌شود (Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 6)؛ دوم اینکه به تصریح مارتین مطالعات و تحقیقات این جریان نیز وامدار مطالعات شرق‌شناسانه شرق‌شناسان گذشته است (بنگرید: مارتین، نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان، ۱۳۹۶: ۳۸)؛ که مطالعات آنها نیز همراه با پیش‌داوری‌های دینی و سیاسی بوده است.

۳. بسیاری از کشفیات و دست‌آوردهای جدید در حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی در سال‌های اخیر به مثابه شواهد و مدارک تاریخی مؤید دیدگاه اسلامی و ردکننده مبانی و آرای رویکرد شک‌گرایان هستند که به نوعی مبین تلقی تقریباً درست این جریان سنتی نیز هستند؛ این مطلب با تحلیل دیگر جریان‌های قرآن‌پژوهی در سطور بعدی روشن‌تر خواهد شد.

## ۲. جریان جدلی - تبشیری

شاید نخستین ظهور آرای این جریان در ایالات متحده را بتوان در آثار واشینگتن ایروینگ (۱۷۸۳- ۱۸۵۹) مشاهده کرد (Einboden, The Early American Qur'an: Islamic Scripture and US Canon, 2009: 1-2). وی پس از آشنایی با منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن، در سال ۵۰-۱۸۴۹ م، کتاب دو جلدی «پیامبر و خلفا» را منتشر کرد و در فصل هشتم از جلد اول آن، تحت عنوان «نمای کلی از ایمان محمد» (Irving, Mahomet and His Successors, 1884, vol. 1: 48-54)، در بیانی به‌صراحت جدلی، قرآن را برگرفته از کتاب مقدس، به‌ویژه از میثنا و تلمود عهد عتیق معرفی می‌کند. با این وجود، ایروینگ شیفته زیبایی‌های ادبی قرآن شده و آیاتی از قرآن، از جمله سوره تکویر، آیه الکرسی، و ... را متذکر شده و بر ویژگی زیبایی قرآن و نیز مهربانیت و رحمانیت خالق آن تأکید می‌کند (Einboden, The Early American Qur'an: Islamic Scripture and US Canon, 2009: 3).

این جریان، به‌گونه‌ای در مقاله دیویس (Davis) با عنوان «اسلام و قرآن» تداوم می‌یابد. برداشت‌های این اثر نمونه‌ای بارز از دیدگاه سنتی و قرون وسطایی غیرمسلمانان درباره اسلام و قرآن است. وی پس وارد کردن انواع اتهامات به شخصیت پیامبر $\alpha$ ، در نهایت وی را خوددریفته معرفی می‌کند (Davis, Islam and the Kuran, 1890: 341). درباره قرآن هم مدعی است که محصول ذهن یک شخص است و به تبع وضعیت ناهنجار و پریشان شخصیتی پیامبر $\alpha$ ، محصول ذهنی‌اش هم فاقد هرگونه نظم تاریخی و دسته‌بندی و ساختار منطقی است (ibid).

دانکن بلک مک‌دونالد (۱۸۶۳ - ۱۹۴۳) که در آثارش به تبیین خاستگاه اسلام و قرآن پرداخته تداوم‌بخش این جریان است. مک‌دونالد در کتاب «سیمای اسلام» مدعی می‌شود که پیامبر $\alpha$  دارای



شخصیتی بیمارگونه، دوگانه‌نگر و آسیب‌شناسانه است و وی یکی از شاعران دوره رنسانس عربی بوده که ادعای پیامبری، حیات شعری‌اش را تباه کرده است (Macdonald, Aspects of Islam, 1911: 60). همچنین، از تأثیر راهبان مسیحی و دیگر فرقه‌ها بر شخصیت مذهبی پیامبر $\alpha$  سخن می‌گوید (Ibid.: 61-63).

چارلز کاتلر توری (۱۸۶۳-۱۹۵۶)، نیز با سرسپردگی به پندار اقتباس، در این جریان قرار می‌گیرد. او در اثری با عنوان «اصطلاحات کلامی- تجاری در قرآن» که در ۱۸۹۲ م منتشر شد، ابتدا ادعا می‌کند که الهیات قرآنی در فضایی تجاری شکل گرفته است و واژگان حاکی از این مفاهیم تجاری، بدون استثنا، دارای ریشه محلی (عربی) هستند و از زبان‌های دیگر وام‌گرفته نشده‌اند؛ و به کنایه متذکر توسل بیش از حد همفکرانش به پندار اقتباس شده و بیان می‌کند که ما به اقتباس معتاد شده‌ایم (Torrey, the Commercial.Theological Terms in the Koran, 1982: 3)؛ اما در ادامه بحث، خودش نیز پیوسته در پی یافتن خاستگاه‌های مضامین و معارف قرآنی در منابع عهدینی، به‌ویژه توراتی است (ibid.: 14\_17, 20\_21, 27, 41).

توری، خود در دام پندار اقتباس افتاده و در نتیجه، اقتباس و گرته‌برداری اسلام و قرآن از منابع یهودیت و مسیحیت، به‌ویژه متون یهودی، تبدیل به پیش‌فرض وی می‌شود که در اغلب آثارش مشهود است (Torrey, Three difficult passages in the Koran, 1922: 470-471). او در کتاب متأخرترش با عنوان «بنیان یهودی اسلام»، ضمن تصریح به این مطلب که فرضیه‌ای که می‌گفت مسیحیت خاستگاه اصلی اسلام است، به دلایلی کاملاً رد شده است، در پی اثبات فرضیه خود، مبنی بر خاستگاه یهودی اسلام و قرآن است (Torrey, The Jewish Foundation of Islam, 1933: v-vi).

این رویکرد در آمریکا، با آبراهام آیزاک کاش (۱۹۰۸-۱۹۹۸)، یهودی‌آمریکایی- لهستانی تداوم یافت. او در ۱۹۵۴ م، اثری را با عنوان «یهودیت در اسلام: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» منتشر کرد که در ۱۹۶۲ م، با عنوانی جدید «یهودیت و قرآن: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» بازنشر یافت. وی آیات دو سوره «بقره» و «آل‌عمران» را در منابع عهدینی، به‌ویژه عهد قدیم، ردیابی می‌کند و در پی اثبات اقتباس قرآن از آنهاست. کاش مدعی است که پیامبر $\alpha$  برای خلق قرآن، از همه منابع کتاب مقدس، تلمود، آپوکریفا و سنت یهودی استفاده کرده و در ساختار نیز از سنت مسیحیت بهره برده است (Katsh, Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic ) (backgrounds of the Koran and its commentaries, 1962: introduction).

## تحلیل

در مباحث جدلی- تبشیری هدف اصلی تخطئه و رد دین رقیب و تبلیغ و تبشیر دین مطلوبِ جدل‌گر و مبشر است؛ برای نیل به این هدف، قسمت اول، یعنی ابطال و طرد دین رقیب بسیار مهم است. از آثار این جریان برمی‌آید که حربه‌های تحریف، تهمت، زیرسؤال بردن شخصیت پیامبر $\alpha$ ، تشکیک در اصالت دین اسلام، ترویج پندار اقتباس و... مهم‌ترین ابزار به کارگرفته شده بوده‌اند. تحریف و متهم کردن شخصیت پیامبر اکرم $\alpha$ ، جزو نخستین حربه‌های جدلی این جریان بوده که به اذعان خود آنها تا امروز هم به نوعی تداوم دارد.

جان تولان (John V. Tolan) در اثر تحقیقی متأخر خود «تصویرسازی غرب از پیامبر اکرم $\alpha$ »، از سده دوازدهم تا اوایل سده بیست و یکم میلادی را به خوبی ترسیم کرده است. در واقع، سیاه‌نمایی و بدنام کردن محمد $\alpha$  عنصری کلیدی در تبلیغات تعدادی از جنبش‌های تبشیری- انجیلی، فرقه پروتستان، بر ضد اسلام و مهاجران مسلمان، در ایالات متحده و اروپا است (Tolan, *Faces of Muhammad: Western Perceptions of the Prophet of Islam from the Middle Ages to Today*, 2019: 260).

این ترسیم جدلی و منفی تقریباً پیوسته نگاه غالب غرب بوده و فقط در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم جریانی در میان اندیشمندان غربی پدیدار شد که به نوعی در پی نگاه مثبت به نقش الهی محمد $\alpha$  در طرح کلی خداوند برای هدایت انسان برآمدند و در ابعادی ناچار به اذعان نبوت وی به عنوان پیامبر یکی از شاخه‌های دین ابراهیمی شدند که مختص گروه خاصی از انسان‌ها، غالباً عرب‌هاست (ibid: 9).

حربه دیگر این جریان، تشکیک در اصالت دین اسلام و قرآن کریم است که غالباً با طرح پندار اقتباس عرضه شده و سعی در تلقی آن به مثابه بحثی علمی دارند. افرادی مانند مک‌دونالد با همین نگاه مدعی هستند که محمد $\alpha$  آنچه را که از تاریخ عهد قدیم گرفتند، با افزوده‌های خودش به صورت قطعه‌های از هم گسیخته، مبهم و به لحاظ تاریخی نامنظم، درهم آمیخت و در نهایت تبدیل به تاریخ رسمی نجات مسلمانان شد (Macdonald, *Aspects of Islam*, 1911: 66). وی می‌پندارد، گرچه پیامبر در دوران اولیه تبلیغش تا حدی در بیان مطالب دریافتی‌اش از طریق خلسه‌هایش صادق بود؛ اما در ده سال آخر عمرش، در مدینه، گرفتار وسوسه شد و آن دستگاه عجیب را به نام وحی و الهام جعلی برپا کرد (Ibid: 74).



این نگاه‌های افراطی صرفاً جدلی، گرچه امروزه تا حدودی تداوم دارند؛ اما در محافل علمی وزنه‌ای نداشته و مورد استناد نیستند. به باور مارکو شولر (Marco Schöller)، مطالعه درباره خاستگاه‌های فرضی یهودی یا مسیحی اسلام نوظهور و به تبع آن، خاستگاه قرآن را می‌توان میراث ماندگار قرآن پژوهی اوایل سده بیستم دانست. امروزه کمتر کسی مدعی است که اسلام در محیطی عمدتاً مسیحی تکوین یافته یا مبانی آن اکثراً یهودی است (Schöller, Post\_Enlightenment Academic) (Study of the Qurān, 2004: 195).

کارل دابلیو ارنست (متولد ۱۹۵۰)، صاحب کتاب «چگونه قرآن را بخوانیم: راهنمایی جدید، همراه با ترجمه‌هایی منتخب»، تصریح می‌کند که توجه به تعامل قرآن و عهدین خوب است؛ اما تمرکز بیش از حد بر جستجوی مطالب و داده‌های عهدینی در قرآن به بحث تأثیر عهدین بر قرآن می‌انجامد و مقوله تکراری تأثیرپذیری، هیچ سهم مفیدی برای درک بهتر ما از قرآن ندارد؛ چراکه بحث تأثیرپذیری می‌تواند در مورد همه متون مقدس طرح شود. به قول مایکل کویپرس (Michel Cuypers)، کتاب مقدس از سفر پیدایش تا بحث الهام، می‌تواند به‌مثابه تکرار و خوانش مجدد آثار پیش از خودش تلقی شود (Ernst, How to Read the Qur'an: A New Guide, with Select Translations, 2011: 206-207).

### ۳. جریان تشکیکی یا تجدیدنظرطلب

به دلیل تأخر قرآن پژوهی آمریکا نسبت به اروپا، زمانی که آمریکا در تقابل جدلی-تیشیری با اسلام بود، در اروپا این مباحث وارد محافل علمی شده و امثال آلفونس مینگانا (۱۸۸۱-۱۹۳۷)، گلدتسیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱) و یوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۲) در نقاب فرضیه‌های به اصطلاح علمی اصالت پیامبر  $\alpha$  و سنت ایشان را مورد تشکیک قرار می‌دادند. مینگانا معتقد بود قرآن بدون درک نقشی که زبان سریانی در آن ایفا کرده است، قابل فهم نیست (معارف، شناخت قرآن: دفتر اول قرآن و خاورشناسان، ۱۳۹۴: ۹۰؛ Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 23-24). این جریان با تأخر، در نیمه دوم سده بیستم، در ایالات متحده رونقی دوباره گرفت. برخی از مستشرقان شروع به طرح این سوال کردند که آیا اساساً هیچ حقیقت تاریخی در سنت اسلامی بقا یافته است؟ چنین دغدغه‌هایی منجر به شکل‌گیری جریان تشکیکی یا تجدیدنظرطلب شد. این جریان مدعی است که منابع سنتی در معرض تکامل بوده‌اند. آنها وجود هرگونه حقیقت تاریخی یا هسته‌ای از واقعیت تاریخی که مبین حقیقت حوادث واقعه باشند را انکار می‌کند؛ زیرا به باور آنها، این شواهد در دریایی از تحریفات و افزوده‌های بعدی غرق شده و از بین رفته‌اند و قابل بازسازی نیستند (Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 20, 21; Crone, 2003: 7).



در نیمه دوم سده بیستم، چهره‌های شاخص این جریان جان ونزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲)، مستشرق آمریکایی لندن‌نشین و شاگردانش، پاتریشیا کرون (۱۹۴۵-۲۰۱۵) و مایکل کوک (متولد ۱۹۴۰) هستند که مهم‌ترین و جنجالی‌ترین چالش را در مباحث قرآنی ایجاد کردند. ونزبرو با آثاری مثل «مطالعات قرآنی»، که در آن منابع و روش‌های مختلف تفسیری بررسی شده و نیز «محیط فرقه‌ای» که در واقع، ادامه دیدگاه وی در مطالعات قرآنی بود، در پی نقد منابع سنتی قرآن برآمد. شاگردان وی، پاتریشیا کرون آمریکایی- دانمارکی و مایکل کوک آمریکایی- انگلیسی، در همان سال ۱۹۷۷م. راه تشکیکی استادشان را ادامه داده و کتاب «هاجرسیم، ساخت جهان اسلام» را منتشر کردند. دیگر شاگردان ونزبرو، یعنی جرالدهاوتینگ (Gerald Howting)، نورمن کالدر (Norman Calder) و اندرو ریپین (Andrew Rippin) در کنار افرادی مثل سلیمان بشیر، موشه شارون (Moshe Sharon)، یهودا نیو (Yehuda Nevo)، خانم جودیت کُرن (Judith Koren)، و کریستوف لوکسنبِرد (Christoph Luxenberg) تا حدودی و با فراز و نشیب‌های دیدگاهی، این راه را ادامه دادند. (برای مطالعه تفصیلی‌تر درباره رویکرد این جریان بنگرید: ریاحی مهر و طیبی، ۱۴۰۱: ۷۱-۹۴).

### پیش‌فرض‌های این جریان

آرای افراطی این جریان، توجه محافل قرآن‌پژوهی را جلب کرد و زمینه تبیین پیش‌فرض‌های آنها از سوی دیگران را فراهم نمود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تدوین و تثبیت دیر هنگام متن قرآن، یعنی متن قرآن در طی سده دوم یا سوم هجری به تدریج و هم‌زمان با فرایند تدریجی تشکیل امت تثبیت شده و رسمیت یافته است. مهم‌ترین دلیل این فرضیه عدم وجود هرگونه شاهد و مدرکی مبنی بر ثبوت وجود تاریخی هرگونه منبع مکتوب اسلامی - از جمله قرآن - پیش از ابتدای سده سوم هجری/ نهم میلادی بیان شده است. در نتیجه، خود قرآن نمی‌تواند به‌عنوان شاهدی برای خاستگاه‌های اسلام مورد استفاده قرار گیرد؛ بلکه در واقع، بازتاب توسعه اسلام در دوره‌ای متأخرتر است (بنگرید: گراهام، «ملاحظات بر کتاب «مطالعات قرآنی»»، ۱۳۹۱: ۲۳۲؛ Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 23).
۲. روایات مربوط به حیات پیامبر  $\alpha$ ، سیره، نیز در اصل به‌مثابه نوعی تفسیر، به خود قرآن وابسته‌اند؛ بنابراین شاهد تاریخی مستقل از خود قرآن یا سنت شرعی متأخر، محسوب نمی‌شوند.
۳. در عوض، این منابع بیان‌گر اقتباس و انعکاس مبادی حجازی بر یک سنت‌اند که خارج از شبه جزیره عربستان، و عمدتاً در عراق تلفیق یافته‌اند.
۴. کلید این استنباط، درک اهمیت تأثیر یهودیت خاخامی را بر رشد تکوینی و درازمدت سنت اسلامی و منابع ادبی مورد وثوق آن است (ibid).



## تحلیل

نقدهای مهمی هم از سوی اندیشمندان مسلمان و هم از سوی دیگر مستشرقان به پیش فرض‌ها و آرای این جریان، وارد شده که برخی از این نقدها، به طور مختصر عبارتند از:

۱. آرای اصلی این جریان غالباً از سوی دیگر مستشرقان (گراهام، «ملاحظات بر کتاب «مطالعات قرآنی»، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۵؛ Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 26-29) و بیش از همه از سوی شاگردان بزرگان این جریان مورد نقد قرار گرفته‌اند؛ به طور نمونه، دیدگاه ونزبرو مینی بر تثبیت دیر هنگام متن قرآن از سوی شاگردش جان برتن (John Burton) مینی بر تدوین قرآن در زمان حیات پیامبر  $\alpha$  مورد نقد قرار می‌گیرد. البته دیدگاه جان برتن در جای خود و از زوایای دیگر مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است (رضایی هفتادر، «تحلیل و نقد آراء جان برتن درباره تدوین قرآن»، ۱۳۸۸: ۷-۳۱). همچنین برخی از پیش فرض‌های این جریان از سوی رابرت هویلند (Robert G. Hoyland) آلمانی، شاگرد پاتریشیا کرون، به نوعی مورد تردید قرار گرفته است (رفیعی، «پاره‌های اسلام‌شناسی (۴) اسلام‌شناسی در غرب (۱): بررسی آثار رابرت هویلند»، ۱۳۹۳: ۶۳-۷۷).

۲. مهم‌ترین دلیل شک‌گرایان بر فرضیه تدوین دیر هنگام قرآن، عدم اشاره به قرآن در منابع غیراسلامی تا قبل از اواخر سده دوم هجری است که این دلیل با تحقیقات بعدی خود مستشرقان مبنی بر اشاره به قرآن در منابع غیراسلامی قرن اول هجری، مردود شناخته شده است؛ در اینجا به ذکر دو شاهد اکتفا می‌شود:

(۱) نخستین شاهد، مکاتبات عمر بن عبدالعزیز با لئوی سوم (Leo III)، امپراتور بیزانس (د.ح. ۷۱۷-۷۴۱)، است. در نامه لئوی سوم می‌توان شواهد و قراینی مبنی بر تدوین قرآن در قرن نخست هجری را یافت. لئو از کتاب مسلمانان با عنوان «فرقان» یاد می‌کند، و در پاسخ به انشعاب مسیحیت به ۷۲ فرقه، اشاره می‌کند که مسلمانان نیز با وجود اینکه، کمابیش صد سال است که دین آنها در میان یک ملت که به زبان واحدی سخن می‌گویند به وجود آمده، دچار انشعاب شده‌اند (Newman, The Early Christian-Muslim Dialogue, 1993: 71-74)؛ این سند در نقد رویکرد شک‌گرا بسیار مهم است، زیرا نخست اینکه سابقه پیدایش اسلام را حدود ۱۰۰ سال می‌داند که دقیقاً با تاریخ حکومت عمر بن عبدالعزیز بنا به گزارش منابع اسلامی مطابقت دارد. دوم اینکه در میان دفاعیات لئوی سوم از اعتقادات مسیحیان، اشاراتی ضمنی به محتوای آیات قرآن وجود دارد؛ مانند: خبر قرآن درباره سجده ملائکه در مقابل حضرت آدم، اشاره به مریم بنت عمران و مریم مادر مسیح، اشاره به اعتقاد مسلمانان

به منشأ الهی تورات و انجیل و تحریف آنها توسط اهل کتاب، استقبال به «خانه ابراهیم» به هنگام عبادت و رابطه حضرت ابراهیم با کعبه، تقدس «خانه‌ای» که کعبه نامیده می‌شود و بوسیدن حجرالاسود و اعمال مختلف حج از قبیل قربانی، رمی جمرات و حلق، و موارد دیگر (نیل‌ساز، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۱)؛ در واقع، وجود این تصریحات به وجود قرآن در این سند، فرضیه شک‌گرایان را از اساس باطل می‌کند.

۲) دومین شاهد، رساله یوحنا دمشقی (حدود ۷۵۲ م) در رد اسلام است. ردیه این متکلم کلیسای شرقی، در میان آثار یونانی، باقی مانده است. یوحنا در موارد متعدد برای اشاره به تعالیم پیامبر از الفاظی چون «کتاب مقدس»، «کتاب او» و «این کتاب» استفاده می‌کند. او در این رساله، آیات متعددی از قرآن را نقل به معنا کرده است؛ مانند: اشاره به دعوت پیامبر به توحید و یکتایی خدا و ترجمه تقریبی سوره اخلاص، بیان آیات درباره مسیح (آل عمران/ ۴۵ و ۵۱؛ نساء/ ۴، ۵۹، ۱۵۷-۱۵۸؛ و مائده/ ۱۱۶-۱۱۷). نکته بسیار مهم در ردیه یوحنا اشاره به این است که پیامبر گفته‌های خود را به «بخش‌هایی» تقسیم کرده و به هر بخش «عنوانی» داده است. او نام سه سوره نساء، بقره و مائده را ذکر، و به اختصار به محتوای آنها اشاره می‌کند (Newman, The Early Christian-Muslim Dialogue, 1993: 139,144).

۳. علاوه بر این، برخی کشفیات باستان‌شناسی جدید، به ویژه درباره نسخه‌های دستنویس قرآن، نیز خط بطلانی بر نظریه شک‌گرایان مبنی بر تثبیت دیرهنگام متن قرآن، است. در این باره مقالات متعددی نگارش یافته و به مدارک متعددی هم اشاره شده که در اینجا فقط مدارک قرآنی مدنظر است. در ۱۹۷۲ م. بازسازی مسجد جامع صنعا در یمن، منجر به کشف مجموعه‌ای بی‌نظیر از نسخه‌های خطی دوران اولیه اسلام شد که در میان آنها نسخه‌های خطی قرآن وجود داشت که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (نیل‌ساز، «میراث بی‌نظیر مسجد جامع صنعا»، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۵). گرچه همه این نسخه‌ها، در مقایسه با قرآن موجود ناقص‌اند؛ بدین معنا که هیچ‌یک از آنها به تنهایی کامل نبوده و یک‌جا دارای ۱۱۴ سوره نیست؛ اما در مجموع هر ۱۱۴ سوره را در بر دارند. اهمیت دست‌نوشته‌های صنعا، به ویژه برای تأیید وثاقت تاریخی قرآن اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا با مطالعات انجام‌شده روی این نُسَخ ثابت شده که این دست‌نوشته‌ها متعلق به میانه سده اول هجری‌اند. به عبارت دیگر، قدمت تاریخی متن قرآن را به سال ۲۵ هجری یعنی ۱۵ سال بعد از رحلت پیامبر  $\alpha$  تاریخ‌گذاری می‌کند (برای نقد دیدگاه ونزبرو در تدوین دیرهنگام قرآن از نگاه درون‌دینی، بنگرید: امینی، ۱۳۹۹: ۱۱۹-۱۵۴).



۴. درباره منابع مکتوب صدر اسلام نیز تحقیقات و کشفیاتی از سوی خود مستشرقان صورت گرفته که نتایج آنها نادرستی پیش فرض‌های رویکرد شک‌گرایی را اثبات می‌کند. در این رابطه، علاوه بر کشف برخی پاپیروس‌های قدیمی که تاریخ‌گذاری برخی از آنها حتی به سال ۲۲ هجری/۶۴۳ میلادی می‌رسند (Hoyland, ., Seeing Islam as others saw it: a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam, 1997: 688, no. 1)؛ مستشرقانی مثل گریگور شولر (Gregor Schoeler) نظریه تکامل توأمان نقل شفاهی و مکتوب در صدر اسلام را مطرح و بر آن استدلال کرده است (ر.ک: علوی، «تحلیل رویکرد تشکیکی قرآن پژوهی مستشرقان ایالات متحده آمریکا»، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۶۹).

#### ۴. جریان علمی - انتقادی

به موازات فعالیت جریان تشکیکی، شاهد حضور و فعالیت جریان دیگری نیز در اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی آمریکا هستیم که دارای برداشت‌ها و آرای معتدل‌تر و نگاه همدلانه‌تری بوده‌اند. از برجسته‌ترین افراد این جریان می‌توان به خانم مک‌اولیف (متولد ۱۹۴۴)، خانم رابینسون والدمن (Robinson Waldman)، والتر واگنر (متولد ۱۹۳۵)، ویلیام گراهام (متولد ۱۹۴۳)، فرد مک‌گرو داور (متولد ۱۹۴۵)، کارل دابلیو ارنست (متولد ۱۹۵۰)، الیور لیمن (متولد ۱۹۵۰)، گابریل سعید رینولدز، و دیگران اشاره کرد.

این جریان که در محافل علمی ایالات متحده آمریکا جریان غالب به‌شمار می‌آید، در حوزه‌های مختلف اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی ورود کرده است؛ اغلب آثار این جریان به‌نوعی مبتنی بر رویکرد تاریخی - انتقادی و روش پدیدارشناسانه است (علوی، اسکندرلو و زمانی، «درآمدی بر برخی از مهم‌ترین روش‌های قرآن پژوهی مستشرقان (با تأکید بر حوزه ایالات متحده آمریکا)»، ۱۴۰۰: ۱۵۳-۱۵۵؛ Bazzano, 2016: 86-90)؛ البته در تحقیقات قرآنی به‌گونه‌ای با روش نقد تاریخی و روش‌های هرمنوتیکی تلفیق شده و به کاربست روش میان‌رشته‌ای متمایل می‌شوند (همان).

در حال حاضر، اغلب اسلام‌شناسان و قرآن پژوهان غربی مدعی چنین رویکردی هستند و تحقیقات خود را فراتر از نگاه سنتی و میرای از رویکرد شک‌گرایانه می‌پندارند؛ اما واقعیت این است که این رویکرد نیز دارای شدت و ضعف نگرشی زیادی نسبت به منابع اسلامی و جایگاه قرآن است.

## پیش فرض‌های این جریان

۱. نگاه غالب این جریان به دین به مثابه یک پدیده فرهنگی و میراث مشترک انسانی است که برای شناخت و تبیین آن، استفاده از روش پدیدارشناسی همراه با تعهد دینی نسبت به دین مورد تحقیق و پیروان آن را توصیه می‌کند (والدمن، «ذهن بدوی/ذهن مدرن: نگرش‌هایی جدید به مسئله‌ای قدیم در اسلام»، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۷۳).

۲. متن قرآنی یک منبع مستند برای کشف و تبیین خاستگاه‌های اسلام است.

۳. گزارش‌های موجود در منابع اسلامی، حاوی اطلاعات معتبر تاریخی صدر اسلام بوده که سپس با اطلاعات غیرمعتبر مخلوط شده‌اند که باید پالایش شوند.

۴. برای ترسیم درست تاریخ اسلامی، ادبیات و متون اسلامی باید در کنار منابع غیراسلامی مورد توجه قرار گیرند (Donner, Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing, 1998: 9-10).

از جمله افراد این جریان خانم مریلین رابینسون والدمن (Marilyn Robinson Waldman) است که دارای مقالاتی در مباحث قرآنی است و شاید مهم‌ترین اثر در موضوع اسلام و قرآن منتسب به وی، کتاب «نبوت و قدرت: محمد و قرآن در پرتو مقایسه» باشد که بعد از وفات وی از سوی شاگردانش تکمیل و انتشار یافت.

وی قرآن را به‌عنوان نخستین منبع بازتاب‌دهنده حیات پیامبر  $\alpha$  فرض می‌کند، در حقیقت قرآن را مقارن و معاصر پیامبر  $\alpha$  می‌داند که این به معنای اذعان به اعتبار و ارزش تاریخی قرآن است.

وی ضمن مقایسه داستان یوسف  $\rho$  در قرآن و کتاب مقدس، به‌ویژه عهد عتیق به سبک و سیاق خاص داستان‌پردازی قرآن که مطابق با هدف اصلی اش است به‌خوبی اشاره کرده و با این کار به نوعی پندار اقتباس قرآن از کتاب‌های پیشین را مردود دانسته است (Waldman, NEW APPROACHES TO BIBLICAL MATERIALS IN THE QUR'AN, 1985: 1-13). او استدلال می‌کند که پیام الهیاتی و ویژگی‌های ادبی قرآن چنان در نوع خود متمایزند که مطالب «عهدینی» آن نمی‌تواند به‌طور صحیح و به‌تمام معنا به‌عنوان «عهدینی» توصیف شوند (Reynolds, Biblical Background, 2017: 318).

خانم مک‌اولیف از دیگر قرآن‌پژوهانی است که می‌توان از زمره این جریان دانست. وی قرآن کریم را از حیث متنی، کتابی قدرتمند و تأثیرگذار و ماندگار می‌داند (McAuliffe, The Persistent Power of the Qur'an, 2003: 339-346) و به‌نوعی فهم، تفسیر و اعتبار قرآن را منحصر در احادیث ساخته است (ترکمانی و محمدی، «ارزیابی پژوهش‌های جین دمن مک‌اولیف»، ۱۳۹۳: ۳۱-۵۲).



شاید انعکاس همین نگاه تقریباً همدلانه خانم مک‌اولیف در آثارش، از جمله، تازه‌ترین اثر قرآنی‌اش، «قرآن: ترجمه‌ای اصلاح‌شده: خاستگاه‌ها، تفسیرها و تحلیل‌ها، صداها، نظرها و راه‌حل‌ها»، انتقاد برخی از دیگر مستشرقان را برانگیخت؛ کارلوس سگویا (Carlos A. Segovia) ضمن بررسی اثر اخیر وی، اعتراض می‌کند که چرا ترجمه پیکتال را بدون توجه به برخی ترجمه‌های مدافعانه وی به‌عنوان ترجمه معیار قرار داده است (Segovia, review of "The Qur'ān: A Revised Translation, 2017). جالب است که ترجمه پیکتال از سوی رینولدز، به‌نوعی در برخی موارد انعکاس‌دهنده پس‌زمینه فکری-دینی وی از کتاب مقدس تلقی شده است (Reynolds, The Qur'ān and Its Biblical Subtext, 2010: 25).

کارل دابلیو ارنست، یکی از چهره‌های مدافع اسلام در میان دانشگاهیان آمریکا، به‌ویژه بعد از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، است. وی با آثار شاخصی مثل «اقتدا به محمد»: نگرشی نو به اسلام در جهان معاصر» (Following Muhammad: Rethinking Islam in the Contemporary World)، و «چگونه قرآن را بخوانیم: راهنمایی جدید، همراه با ترجمه‌هایی منتخب» (How to Read the Qur'an: A New Guide, with Select Translations?) در پی آن است تا سوءظنی که از طریق اطلاعات نادرست روزنامه‌نگاری احساسی و حمله ایدئولوژیکی هدایت و مدیریت شده غربیان نسبت به اسلام ایجاد شده را تقلیل دهد (Ernst, Following Muhammad: Rethinking Islam in the Contemporary World, 2003: xiv-xv). همچنین، چگونگی تعامل صحیح با قرآن را تبیین کند تا زمینه خوانش و درک درست قرآن برای غیرمسلمانان غرب که با مواضع و دیدگاه‌های محافظه‌کاران دینی و سکولار غربی، سخت و دشوار شده را فراهم کند (Ernst, How to Read the Qur'an: A New Guide, with Select Translations, 2011: 1-3).

گابریل سعید رینولدز، نیز خودش را در درون این جریان می‌داند، وی در آثارش اغلب تصریح دارد که به دنبال تعیین کردن مؤلف قرآن یا موارد اصلاحی صورت گرفته، یا در کل مشخص کردن خاستگاه‌های آن نیست، پس نباید بر آثارش برچسب «تجدید نظر طلب/شک‌گرا» زده شود (Reynolds, The Qur'ān and Its Biblical Subtext, 2010: 22). وی ضمن نقد جریان تشکیکی، بیان می‌کند که این افراد در فرضیه‌ها و مبانی‌شان نقاط مشترک اندکی دارند؛ از این رو، حتی نتوانسته‌اند یک روش واحد به وجود آورند تا چه رسد به یک مکتب که بتواند چالشی نظام‌مند را در مقابل پارادایم اصلی قرآن پژوهی فعلی ارائه کند؛ اما آثار این جریان در ایجاد یک چالش یا نگرانی، یا به تعبیر خانم نویورت به بن‌بست رساندن مطالعات قرآنی سهمیم بوده‌اند (نیل‌ساز، «مروری بر کتاب قرآن در بستر تاریخی آن»، ۱۳۹۵: ۱۷۰-۱۵۳).

با این وجود، به باور برخی، مطالعات قرآنی رینولدز به نوعی در سایه مطالعات ونزبرو شکل می‌گیرد و آنها فقط در نقطه‌ای از یکدیگر جدا می‌شوند که ونزبرو قرآن را در تعامل با آنچه پس از آن می‌آید؛ یعنی تفسیر، درک می‌کند، ولی رینولدز درک قرآن را در تعامل با آنچه قبل از آن بوده، یعنی ادبیات عهدینی، تبیین می‌کند ( King, Review of Gabriel Said Reynolds, The Qur'an and Its (Biblical Subtext 2010: 84).

جیمز بلمی (James A. Bellamy)، دیگر قرآن‌پژوه آمریکایی، در چند مقاله که از ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۶ انتشار یافته‌اند به موضوع «حروف مقطعه» و نیز بحث تصحیح متن قرآن پرداخته و به مواردی از این تغییرات اشاره و پیشنهاداتی را مطرح کرده است (کریمی‌نیا، زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن‌پژوهی مستشرقان، ۱۳۹۱: ۳۶۱). بلمی معتقد است که قرآن به زبان عربی مبین نازل شده و هدف آن سردرگمی مخاطبانش نیست؛ بنابراین موارد مشکل‌دار و نیازمند تصحیح در متن آن، ناشی از اشتباه مستسخان نخستین قرآن است و این پیشنهادهای تصحیح متن نیز باید به گونه‌ای باشند که در رسم الخط قرآن تغییری ایجاد نکنند. به باور وی، حروف مقطعه قرآن نیز در واقع کوتاه‌نوشت‌هایی قدیمی از «بسمله» (اند و نه حروفی رمزآلود ( Bellamy, "The Mysterious Letters of the Koran: Old (Abbreviations of the Basmalah" 1973: 267-285).

مقالات وی در این زمینه، به ترتیب تاریخ نشر عبارتند از: «حروف مقطعه قرآن: اختصارات قدیمی بسمله» ('The Mysterious Letters of the Koran: Old Abbreviations of the Basmalah'): «الرقیم یا الرقود؟ یادداشتی در باره آیه نهم سوره کهف» (Al-Raqim or alraqud? A note on surah 18:9, (1991) «چند اصلاح پیشنهادی برای متن قرآن» ("Some Proposed Emendations to the Text of the Koran" (1993) و «اصلاحات پیشنهادی بیشتری برای متن قرآن» ("More Proposed Emendations to the Text (of the Koran' (1996).

### تحلیل

جریان علمی-انتقادی، جریان غالب اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در غرب بوده و افراد آن در حین نقد جریان تشکیکی، غالباً ناقد یکدیگر نیز هستند که این به‌نوبه خود آن را مبدل به جریانی خودنقد خواهد کرد. ۱. این جریان با تأثیرپذیری از پست‌مدرنیسم، ضمن زیر سؤال بردن مؤلفه‌ها و معیارهای مدرنیسم، دیگران را به مثابه یک پدیده فرهنگی یا دینی مورد توجه قرار داده است که البته تصمیم شورای دوم واتیکان در دهه شصت سده بیستم (۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵) که اسلام را به‌عنوان دین به رسمیت شناخت نیز در نگاه آن بی‌تأثیر نبوده است (الویری، «رویکردهای نو در شرق‌شناسی»، ۱۳۸۳: ۲-۷).



۲. پذیرش قرآن به عنوان یک متن دینی از سوی این جریان گرچه بسیار حایز اهمیت است؛ اما الزاماً به مفهوم پذیرش وحیانی بودن آن نیست. به عبارت دیگر، پذیرش قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، به این معناست که چون مسلمانان می گویند قرآن کتاب مقدس ماست، پس آنها هم می پذیرند که قرآن به عنوان کتاب مقدس لحاظ شود، نه اینکه لزوماً این باور را داشته باشند که قرآن به راستی کتاب مقدس است. با این وجود، این نگاه جدید با تحلیل بردن نگاه های نادرست جدلی و تشکیکی افراطی، به تدریج نگاه منصفانه به قرآن را تقویت کرد و سبب شد که قرآن با عهدین مقایسه شده و افرادی مانند ویلفرد کنتول اسمیت (Wilfred Cantwell Smith) در کنار امثال هانس کونگ (Hans Kung) استدلال کنند که قرآن باید، حداقل تا یک درجه ای، به عنوان کلام خدا در نظر گرفته شود (Beverly, Christ & Islam: Understanding the Faith of the Muslims, 2006: 45).

۳. مسائل مختلفی نظیر حضور مهاجران مسلمان به مثابه شهروندان دول غربی و ایجاد درهم تنیدگی فرهنگی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت دینی، و در نتیجه جلب توجه بیشتر محققان غربی به سوی شناخت تفکرات اسلامی- شیعی (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۴۷)، تخصص گرایی و در نتیجه جزء نگری، و نیز تقویت مطالعات میان رشته ای و در نتیجه، ورود اسلام شناسی و قرآن پژوهی در حوزه های مختلف علمی که نیازمند فهم و درک آن در فضایی علمی و واقع بینانه تر است، موجبات رشد و تقویت این جریان در غرب را فراهم کرد.

۴. در نتیجه عوامل پیش گفته و نیز کاهش نسبی وابستگی نهادهای علمی به کانون های قدرت سیاسی، دسترسی بیشتر به منابع اسلامی، افزایش حضور مسلمانان در غرب و همدلی برآمده از این عوامل، شاهد انعطاف و انصاف علمی بیشتری از سوی جریان غالب علمی غرب هستیم. هرچند، این جریان در مقایسه با جریان های جدلی و تشکیکی، به صبغه انصاف متصف می شود؛ اما باید توجه داشت که منصفانه بودن به معنای درست بودن و عدم نقدپذیری نیست (الویری، «رویکردهای نو در شرق شناسی»، ۱۳۸۳: ۲-۷).

۵. هرچند، این جریان منابع اسلامی را در کنار منابع غیراسلامی معتبر تلقی کرده است؛ اما اولاً بسیاری از آنها یا به منابع غیراسلامی بیشتر بها می دهند و یا منابع غربی غیراسلامی دریچه ورودشان به منابع اسلامی است. دوم اینکه بسیاری از این افراد در مرحله عمل دیگر مبانی ناگفته و خاص خودشان را مقدم کرده و طبق آن سیر می کنند. به عنوان نمونه، گابریل سعید رینولدز گرچه پندار اقتباس به مفهوم اسلافش را رد می کند؛ اما خودش آن را به گونه ای دیگر مجدداً بیان می کند؛ وی می گوید: «سبک ادبی



قرآن ظاهراً کنایه‌ای و اشاره‌ای است. به نظر نمی‌رسد قرآن از متون، چه کتاب مقدس و یا غیر آن، اصلاً نقل قول کند. در عوض، قرآن به آنها اشاره می‌کند و از این رهگذر پیام دینی منحصربه‌فردی را اظهار می‌کند. بنابراین قرآن بخشی از یک سنت ادبی پویا و پیچیده است که نه حاکی از وام‌گیری دقیق و مشخص، بلکه از وام‌گیری آموزه‌ها، سنت ادبی و تفسیری حکایت می‌کند» (Reynolds, Review of (Gabriel Said Reynolds, The Qur'an and Its Biblical Subtext 2010: 36).

## ۵. جریان ره‌یافتگان

جریان دیگری که در اسلام‌پژوهی و قرآن‌پژوهی آمریکا قابل ذکر است، جریان ره‌یافتگان به اسلام است. این جریان، گرچه دارای خط فکری واحد و منسجمی نیست و در میان آنها از گرایش سنتی تا گرایش‌های مدرن مانند فمینیسم به اصطلاح اسلامی نیز دیده می‌شود؛ اما در برابر دیگر جریان‌های غیراسلامی، و در دفاع از آموزه‌های اسلامی، به مثابه یک جریان کلی مؤثر ظاهر شده است. از جمله این افراد، خانم مارگرت مارکوس (Margaret Marcus)، متولد نیویورک است که بعد از مسلمان شدنش، در ۱۹۶۱، نام «مریم جمیله» را بر خود نهاد. وی با داشتن والدین اصالتاً یهودی، رشد و تحصیل در محیطی کاملاً سکولار، پس از مطالعات ده ساله درباره اسلام و معارف قرآن، رسماً اسلام آورد و تبدیل به مدافع سرسخت اسلام سنتی شد. وی در آثارش ضمن تبیین حقانیت و اصالت معارف اسلام، به نقد اندیشه‌های متفکران غربی درباره اسلام و قرآن پرداخته است (ماهنامه پیام زن، ۱۳۸۵: ۸۷-۳۷۸). این تلاش‌ها، خوش‌آیند برخی از غربیان واقع نشد و وی را متهم به داشتن مشکلات روانی-اجتماعی کردند (Esposito, *Makers of Contemporary Islam*, Voll, 2001: 54-67).

درست در نقطه مقابل مریم جمیله، خانم آمنه ودود (متولد ۱۹۵۲)، متولد مریلند آمریکا، از پدری مسیحی قرار دارد که در ۱۹۷۲ پس از اسلام آوردن نامش را از مری تسلی (Mary Teasley)، به آمنه ودود تغییر داد. ودود به لحاظ فکری در زمره فمنیست‌های مسلمان و پست‌مدرن قرار می‌گیرد. به نظر وی، پست‌مدرنیسم نهضتی مدافع «بازاندیشی» و «بازسازی» گذشته است و این فرایند برای آفریدن آینده‌ای تکثرگراتر و سازگارتر ضروری است. خوانش خاص ودود از قرآن بر شماری از فمنیست‌های مسلمان تأثیر بسیاری نهاد که یکی از آنها، اسماء بارلاس (Asma Barlas) است. ودود و بارلاس اصالتاً پاکستانی، در کنار افرادی مانند عزیزه الحبری، رفعت حسن، کشیا علی (Kecia Ali) و سعدیه شیخ، البته به‌رغم برخی اختلافات، جریان فمنیست به اصطلاح اسلامی را تشکیل می‌دهند.



مهم‌ترین کتاب ودود، «قرآن و زن: بازخوانی متن مقدّس از منظر یک زن» (Qurān and woman) (rereading the sacred text from a woman's perspective, 1999) است که در واقع، نتیجه اهتمام وی برای بازبینی سنت تفسیری سده‌های گذشته و خوانشی زنانه از قرآن است (عباسی و موسوی، «قرائتی نواز قرآن با رهیافتی زن محور: بررسی دیدگاه‌های آمنه ودود در کتاب قرآن و زن»، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۴۶). این اثر به زبان‌های مالایی، اندونزیایی، ترکی، عربی، ایتالیایی، هلندی، اسپانیایی و فارسی ترجمه شده است (بارلاس، «بازخوانی متن مقدّس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه ودود از قرآن»، ۱۳۹۲: ۳۲-۲۱).

جاناناتان براون (متولد ۱۹۷۷)، زاده واشنگتن دی‌سی در خانواده‌ای مسیحی نیز جزو این رهیافتگان است که فارغ‌التحصیل رشته هنر از دانشگاه جورج تاون واشنگتن بوده و درجه دکترای مطالعات اسلامی را در ۲۰۰۶ از دانشگاه شیکاگو اخذ کرده است.

زمینه‌های مطالعاتی او شامل حدیث، عرفان، شناسایی واژگان عربی و شعر پیش از اسلام است که آثار متعددی را در این زمینه‌ها به چاپ رسانده است. یکی از مهم‌ترین آثار او زندگی‌نامه و معرفی مختصری از پیامبر α است (Muhammad: A Very Short Introduction, Oxford University Press, 2011). او در کتاب دیگرش به نام «نقل قول نادرست از محمد α» (Misquoting Muhammad: The Challenge and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy, 2014)، عمق و وسعت دستاوردهای دانشمندان مسلمان نخستین را در ارزیابی و بررسی اقوال و متون دینی، به مراتب بیشتر از پدران کلیسای مسیحی می‌داند.

از دیگر چهره‌های این جریان می‌توان به جوزف لومبارد (متولد ۱۹۶۹) و خانم ماریا مسی دکاکه اشاره کرد که هر دو در حوزه‌های مختلف اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی دارای اثر هستند. این دو نفر جزو نویسندگان اصلی تفسیر قرآنی (The Study Qur'an, Harper One, 2015) هستند که به سرویراستاری سیدحسین نصر تهیه شده است (نصر و دیگران، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۶۷).

### تحلیل

جریان رهیافتگان فعال عرصه مطالعات اسلامی و قرآن پژوهی، هرچند به لحاظ تخصصی خارج از بحث این مقاله است؛ اما به دو دلیل مورد توجه قرار گرفت: ۱. سابقه غیراسلامی و احیاناً تأثیرات باورهای غیراسلامی بر ذهنیت این افراد که ضرورت تأمل بیشتر بر آرا و آثار آنها درباره اسلام و قرآن از سوی اندیشمندان مسلمان را می‌طلبد و غفلت از این مهم می‌تواند به اندازه بی‌توجهی به آرای تشکیکی مستشرقان مخرب باشد؛ ۲. نقش این جریان، به‌عنوان یک جبهه به ظاهر واحد، در معادلات اسلام‌شناسی و قرآنی جاری در جامعه آمریکا؛ زیرا این جریان، به‌رغم، تنوع آرا و برخی کاستی‌های

اعتقادی، در کنار جریان انتقادی- علمی، به نقد آرا و مبانی پندارهای جریان تشکیکی پرداخته و بسیاری از آثار تخریبی آرای افراطی آن جریان را کم اثر یا خنثی کرده‌اند.

## نتیجه

در این مقاله به گونه‌ای مختصر، جریان‌های اصلی قرآن‌پژوهی مستشرقان معاصر، با تأکید بر حوزه ایالات متحده آمریکا، مورد تبیین و تحلیل قرار گرفت که وجهه غالب این مطالعات تا قبل از دهه هفتاد سده بیستم، کاملاً جدلی- تبشیری بوده و تنها از دهه هفتاد به بعد است که شاهد افزایش توجهات محافل علمی این حوزه به مطالعات قرآنی و رشد سریع و مستمر آن تا به امروز هستیم؛ بنابراین، موارد ذیل را می‌توان به مثابه نتایج این تحقیق به‌شمار آورد:

۱. جریان جدلی- تبشیری، به دلیل غیرعلمی بودن دیدگاه‌هایشان، شاید در مباحثات علمی امروز چندان مورد اشاره قرار نگیرند؛ اما باید توجه داشت که شناخت آن برای محققان اسلامی ضروری است؛ زیرا نخست، سنت جدلی بخشی جدایی‌ناپذیر از پس‌زمینه مطالعات قرآنی غرب و تأثیرگذار بر آن بوده است. دوم، سنت جدلی- تبشیری هرگز در غرب از بین نرفت؛ بلکه با شدت و ضعف، در آثار برخی از نویسندگان تا به امروز ادامه داشته و دارد. سوم، بررسی آثار جریان‌های جدید روشن می‌کند که آرای آنها نشان‌دهنده نوعی ترکیب از رویکردهای جدلی و علمی است. عدم شناخت پس‌زمینه تفکر جدلی آنها، بعضی مواقع، تفکیک جریان‌های جدلی و علمی را برای اندیشمندان مسلمان دشوار کرده و باعث سردرگمی در این زمینه خواهد شد ( Sirry, New Trends in Qurānic Studies. Text, Context, ) (and Interpretation, 2019: 22-23).

۲. جریان موسوم به سنتی، با رویکرد تفسیری- توصیفی و با اصرار بر استفاده از منابع اسلامی در بازسازی تاریخ اسلامی، در مقابل حجم‌های جدلی ضد اسلامی که از قرون وسطی تا قرن هجدهم بر مطالعات اسلامی غرب سیطره داشت، نقشی مهم در دفاع از اسلام و قرآن داشت و ظاهراً به همین دلیل هم مورد انتقاد دیگر جریان‌ها قرار گرفته است.

۳. ظهور جریان تشکیکی در دهه ۱۹۷۰ م، با محوریت جان ونزبروی آمریکایی و شاگردان وی که عمدتاً مرکز فعالیت‌شان در ایالات متحده بوده‌اند، باعث واکنش دیگر جریان‌های قرآن‌پژوهی شد؛ رشد و گستره این توجه به مطالعات قرآنی و رونق آن، به‌ویژه در غرب، به گونه‌ای بود که برخی از مستشرقان سخن از «عصر طلایی مطالعات قرآنی» به میان آوردند ( Reynolds, The Qur'an and its ) (biblical subtext, 2011: 1-21).



۴. در مقابل انتشار آثار متعدد از سوی جریان تشکیکی، شاهد واکنش جریان معتدل‌تر مستشرقان آمریکایی، یعنی جریان علمی- انتقادی و نیز جریان رهیافتگان هستیم که منجر به تولید آثار متعددی در حوزه اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی شد.
۵. این جریان‌ها به‌رغم اختلاف در آرا و اهداف، همه در رونق‌بخشی اسلام‌شناسی و مطالعات قرآنی در جامعه آمریکا نقش داشته‌اند. به‌دیگر سخن، حتی جریان جدلی- تبشیری با اهداف غیرعلمی و انگیزه غالباً تبشیری و یا جریان تشکیکی با هدف تخطئه و انکاری خود، جزو نخستین مروجان اسلام‌شناسی و مطالعات قرآنی، در ایالات متحده آمریکا هستند. به همین ترتیب، آثار جریان‌های دیگر که سعی در معرفی اسلام و آموزه‌های قرآنی به صورت متمایز از این نگرش‌های افراطی دارند، ضمن حفظ پویایی مطالعات قرآنی، موجبات آشنایی بهتر و منصفانه‌تر غربیان با اسلام و قرآن را فراهم می‌کنند.

## منابع

۱. امینی، نوروز، نقد نظر ونزبرو مبنی بر تدوین قرآن در قرن سوم، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان سال پانزدهم، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ص ۱۱۹-۱۵۴
۲. بارلاس، اسماء «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه ودود از قرآن»، آینه پژوهش، ترجمه مهرداد عباسی و متینه السادات موسوی، سال ۲۴، شماره ۱، ص ۳۲-۲۱، ۱۳۹۲.
۳. ترکمانی، حسینیعلی، محمدی، جواد، «ارزیابی پژوهش های جین دمن مکاولیف»، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان سال نهم، شماره ۱۷، ص ۳۱-۵۲، ۱۳۹۳.
۴. رفیعی، محمدحسین، «پاره های اسلام شناسی (۴) اسلام شناسی در غرب (۱): بررسی آثار رابرت هولند»، آینه پژوهش، شماره ۱۴۸، ص ۶۳-۷۷، مهر و آبان ۱۳۹۳.
۵. ریاحی مهر، باقر؛ طیبی، زینب، نقد رویکرد شکاکیت نوین در مطالعات قرآنی مستشرقان، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفدهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش، صص ۷۱-۹۴
۶. زمانی، محمدحسن شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵.
۷. عباسی، مهرداد، موسوی، متینه السادات، «قرائتی نواز قرآن با رویافتی زن محور: بررسی دیدگاه های آمنه ودود در کتاب قرآن و زن»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، ص ۱۲۳-۱۴۶، ۱۳۹۴.
۸. علوی، سیدحسین؛ اسکندریلو، محمدجواد؛ زمانی، محمدحسن «درآمدی بر برخی از مهم ترین روش های قرآن پژوهی مستشرقان (با تأکید بر حوزه ایالات متحده آمریکا)»، آموزه های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هیجدهم، شماره ۳۳، ص ۱۳۹-۱۶۱، ۱۴۰۰.
۹. کریمی نیا، مرتضی، زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی مستشرقان، تهران: هرمس، ۱۳۹۱.
۱۰. گراهام، ویلیام، «ملاحظات بر کتاب «مطالعات قرآنی»، مترجم: کریمی نیا، مرتضی؛ آینه پژوهش، شماره ۶۵، ص ۴۶-۵۳، آذر و دی ۱۳۷۹.
۱۱. مارتین، ریچارد، نگرش هایی به اسلام در مطالعات ادیان، به کوشش و ویرایش: مهرداد عباسی، تهران، حکمت، ۱۳۹۶ ش.



۱۲. ماهنامه پیام زن «مشعلی از سوی تاریکی‌ها: سیری در زندگی، اندیشه‌ها و آثار بانو مریم جمیله»، ماهنامه ویژه مسائل زنان و خانواده، سال پانزدهم، شماره ۱۱-۱۲، ص ۸۷-۳۷۸، ۱۳۸۵.
۱۳. معارف، مجید، رضایی‌هفتاد، حسن، «تحلیل و نقد آراء جان برتن درباره تدوین قرآن»، پژوهش دینی شماره هجدهم ص ۷-۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۱۴. معارف، مجید، شناخت قرآن: دفتر اول قرآن و خاورشناسان، تهران: نیا، ۱۳۹۴.
۱۵. نصر، سیدحسین، و دیگران، تفسیر معاصرانه قرآن کریم (جلد ۱)، ترجمه و تحقیق: انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا، ۱۳۹۹.
۱۶. نوو، یهودا، کورن، ج، رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی، ترجمه: شادی نفیسی، آینه پژوهش، شماره ۱۱۴ ص ۲-۱۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.
۱۷. نیلساز، نصرت، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، مقالات و بررسیها، دفتر ۸۸، (ص ۱۵۱-۱۷۰)، تابستان ۱۳۸۷.
۱۸. نیلساز، نصرت، «مروری بر کتاب قرآن در بستر تاریخی آن»، مجله نقد کتاب: قرآن و حدیث، سال دوم شماره ۵، ص ۱۵۳-۱۷۰، بهار ۱۳۹۵.
۱۹. نیلساز، نصرت، «میراث بی نظیر مسجد جامع صنعا»، آینه پژوهش، ش ۱۲۲، ص ۱۹-۲۵، ۱۳۸۹.
۲۰. والدمن، مریلین، «ذهن بدوی/ذهن مدرن: نگرش‌هایی جدید به مسئله‌ای قدیم در اسلام»، ترجمه: محمدحسین محمدپور: نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان، ص ۱۵۳-۱۷۳، ۱۳۹۶.
۲۱. الویری، محسن «رویکردهای نو در شرق‌شناسی»، اندیشه صادق، شماره ۱۵، ص ۲-۷، ۱۳۸۳.
22. Bazzano, Elliott , Normative Readings of the Qur'an: From the Pre-Modern Middle East to the Modern West, Journal of the American Academy of Religion, Volume 84, Issue 1, pp. 74-97, 2016.
23. Bellamy, James A. , "The Mysterious Letters of the Koran: Old Abbreviations of the Basmalah". Journal of the American Oriental Society 93 (3): 267-285, 1973.
24. Beverly, James A. , Christ & Islam: Understanding the Faith of the Muslims, Joplin, Missouri, College Press Publishing Co., 4th Printing, 2006.

25. Crone, Patricia , *Slaves on horses: the evolution of the Islamic polity*, Cambridge University Press, 2003.
26. Davis, G. W. , *Islam and the Kuran, The Old and New Testament Student*, University of Chicago Press, Vol. 10, No. 6: 334-342, 1890.
27. Donner, Fred M., *Narratives of Islamic origins: the beginnings of Islamic historical writing*, THE DARWIN PRESS, INC., Princeton, NJ 1998.
28. Einboden, Jeffrey , *The Early American Qur'an: Islamic Scripture and US Canon*, Journal of Qur'anic Studies, Edinburgh University Press, Vol. 11, No. 2: 1-19, 2009.
29. Ernst, Carl W. , *How to Read the Qur'an: A New Guide, with Select Translations*, Chapel Hill: University of North Carolina Press, 2011 .
30. Esposito, John L.; Voll, John O. , *Makers of Contemporary Islam*, New York, OXFORD UNIVERSITY PRESS, 2001 .
31. Hoyland, Robert G., *Seeing Islam as others saw it: a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam*, THE DARWIN PRESS, INC., Princeton, NJ, 1997.
32. Irving, Washington , *Mahomet and His Successors*, vol. 1, chapter viii: *Outlines of the Mahometan Faith*, New York, 1884.
33. Katsh, Abraham I. , *Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*, New York, 1962.
34. King, Daniel , *Review of Gabriel Said Reynolds, The Qur'ān and Its Biblical Subtext* (Routledge Studies in the Qur'ān; London: Routledge, 2010), in: *Journal for Late Antique Religion and Culture* 4: 84-88; Website <http://www.cardiff.ac.uk/clarc/jlarc>, p. 84, 2010.
35. Macdonald, Duncan Black , *Aspects of Islam*, the Macmillan Company, New York, 1911
36. McAuliffe, Jane Dammen , *The Persistent Power of the Qur'ān*, *Proceedings of the American Philosophical Society*, Vol. 147, No. 4: 339-346, 2003.
37. Newman, N. A. , *The Early Christian-Muslim Dialogue, Interdisciplinary Research Institute, Pennsylvania*, pp. 71-74, 1993.



38. Reynolds, Gabriel Said , The Qur'an and its biblical subtext, Routledge, 2010.
39. Reynolds, Gabriel Said , Biblical Background, in: The Wiley Blackwell Companion to the Qur'ān, Second Edition, Andrew Rippin and Jawid Mojaddedi (editors), John Wiley & Sons Ltd, pp. 303-319, p. 318, 2017.
40. Reynolds, Gabriel Said , The golden age of Qur'anic studies, in: New Perspectives on the Quran: The Quran in its historical context 2: 1\_21, Routledge, 2011.
41. Schöller, Marco , Post-Enlightenment Academic Study of the Qurān, in Encyclopedia of the Qurān, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden – Boston: 193\_208, 2004.
42. Segovia, Carlos A. , review of "The Qur'ān: A Revised Translation (ed. Jane McAuliffe)", Reviews of the Enoch Seminar 2017.11.09, The Enoch Seminar Online 2017 (www.enochseminar.org), 2017.
43. Sirry, Mun'im , New Trends in Qurānic Studies\_Text, Context, and Interpretation, Atlanta, Georgia, Lockwood Press, 2019.
44. Tolan, John V. , Faces of Muhammad: Western Perceptions of the Prophet of Islam from the Middle Ages to Today, Princeton University Press, 2019.
45. Torrey, Charles C. , the Commercial-Theological Terms in the Koran, Leyden. E. J. Brill, 1892.
46. Torrey, Charles Cutler , The Jewish Foundation of Islam, New York: Jewish Institute of Religion, 1933.
47. Torrey, Charles Cutler , Three difficult passages in the Koran, in: A volume of oriental studies presented to E. G. Browne, ed. T. W. Arnold and R. A. Nicholson, Cambridge: 470\_471, 1922.
48. Waldman, Marilyn Robinson , NEW APPROACHES TO "BIBLICAL" MATERIALS IN THE QUR'AN, in: THE MUSLIM WORLD, VOL. LXXV JANUARY, No. 1, pp. 1.13, 1985.
49. Wasserstrom, Steve M. , Marilyn Robinson Waldman: April 13, 1943 \_ July 8, 1996, History of Religions (The University of Chicago Press), Vol. 37, No. 1: 1.2, 1997.



## Resources

1. Abbasi, Mehrdad, Mousavi, Matineh al.Sadat, "*Qarayati\_ye Naw az Quran ba Rahyafti\_ye Zan.Mahvar: Barrasi Didegah.haye Amina Wadud dar Kitab Quran va Zan*" (*A New Reading of the Quran with a Feminist Approach: Examining the Views of Amina Wadud in the Book Quran and Women*), Women's Studies Journal, Institute for Humanities and Cultural Studies, Vol. 6, No. 3, pp. 123-146, 1394 SH (2015 CE).
2. Alavi, Seyyed Hussein, Eskandarlou, Mohammad Javad, Zamani, Mohammad Hassan, "*Daramadi bar Barkhi az Muhemtarin Ravesh.haye Quranpazhouhi\_ye Moshtrqan (ba Ta'kid bar Hawze\_ye Iyalat.e Motahedeh Amrika)*" (*An Introduction to Some of the Most Important Methods of Orientalists' Quranic Studies (with an Emphasis on the United States)*), Quranic Teachings, Ferdowsi University of Mashhad, Vol. 18, No. 33, pp. 139-161, 1400 SH (2021 CE).
3. Alaviri, Mohsen, "*Rooykardha\_ye Naw dar Sharqshenasi*" (*New Approaches in Orientalism*), Andisheh.e Sadid, No. 15, pp. 2-7, 1383 SH (2004 CE).
4. Amini, Nowruz, Criticism of Wensbrough's opinion regarding the compilation of the Quran in the third century, bi-quarterly journal of Orientalists' Koran studies, 15th year, number 29, autumn and winter 2019, pp. 119-154
5. Barlas, Asma, "*Bazkhani Matn.e Moqaddas az Manzar.e Zanan; Tafsir Amina Wadud az Quran*" (*Rereading the Sacred Text from the Perspective of Women; Amina Wadud's Interpretation of the Quran*), Ayeneh Pazhoohesh, Translated by Mehrdad Abbasi and Matineh al.Sadat Mousavi, Vol. 24, No. 1, pp. 32-21, 1392 SH (2013 CE).
6. Bazzano, Elliott, *Normative Readings of the Quran: From the Pre.Modern Middle East to the Modern West*, Journal of the American Academy of Religion, Volume 84, Issue 1, pp. 74-97, 2016 CE.
7. Bellamy, James A., "*The Mysterious Letters of the Koran: Old Abbreviations of the Basmalah*", Journal of the American Oriental Society 93 (3): 267-285, 1973 CE.



8. Beverley, James A., *Christ & Islam: Understanding the Faith of the Muslims*, Joplin, Missouri, College Press Publishing Co., 4th Printing, 2006 CE.
9. Crone, Patricia, *Slaves on Horses: The Evolution of the Islamic Polity*, Cambridge University Press, 2003 CE.
10. Davis, G. W., *Islam and the Kuran, The Old and New Testament Student*, University of Chicago Press, Vol. 10, No. 6: 334-342, 1890 CE.
11. Donner, Fred M., *Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing*, The Darwin Press, Inc., Princeton, NJ 1998 CE.
12. Einboden, Jeffrey, *The Early American Quran: Islamic Scripture and US Canon*, Journal of Quranic Studies, Edinburgh University Press, Vol. 11, No. 2: 1-19, 2009 CE.
13. Ernst, Carl W., *How to Read the Quran: A New Guide, with Select Translations*, Chapel Hill: University of North Carolina Press, 2011 CE.
14. Esposito, John L.; Voll, John O., *Makers of Contemporary Islam*, New York, OXFORD UNIVERSITY PRESS, 2001 CE.
15. Graham, William A., "Molahazati bar Ketab 'Motale'ate Quran'" (Remarks on the Book "Quran Studies"), Translated by Karimi-Nia, Morteza, Ayeneh Pazhuhesh, No. 65, pp. 46-53, Azar and Dey 1379 SH (November and December 2000 CE).
16. Hoyland, Robert G., *Seeing Islam as Others Saw It: A Survey and Evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian Writings on Early Islam*, The Darwin Press, Inc., Princeton, NJ, 1997 CE.
17. Irving, Washington, *Mahomet and His Successors*, Vol. 1, Chapter viii: Outlines of the Mahometan Faith, New York, 1884 CE.
18. Karimi-Nia, Morteza, *Zaban.e Quran, Tafsir.e Quran: Majmueh-ye Maqalat.e Quranpazhouhi-ye Moshtrghan (The Language of the Quran, Quranic Exegesis: A Collection of Orientalists' Articles on Quranic Studies)*, Tehran: Hermes, 1391 SH (2012 CE).
19. Katsh, Abraham I., *Judaism and the Koran: Biblical and Talmudic Backgrounds of the Koran and Its Commentaries*, New York, 1962 CE.

20. King, Daniel, *Review of Gabriel Said Reynolds, The Qur'an and Its Biblical Subtext (Routledge Studies in the Qur'an; London: Routledge, 2010)*, in: Journal for Late Antique Religion and Culture 4: 84-88; Website <http://www.cardiff.ac.uk/clarc/jlarc>, p. 84, 2010 CE.
21. Ma'aref, Majid, Rezaei\_Haftador, Hassan, "Tahlil va Naqd.e Ara.ye John Barton darbareh Tedvin.e Quran" (*Analysis and Critique of John Barton's Views on the Compilation of the Quran*), Religious Studies, No. 18, pp. 7-31, Spring and Summer 1388 SH (2009 CE).
22. Ma'aref, Majid, *Shenakht.e Quran: Daftar.e Avval Quran va Khavarshinasan (Understanding the Quran: The First Volume: The Quran and Orientalists)*, Tehran: Naba, 1394 SH (2015 CE).
23. Macdonald, Duncan Blac, *Aspects of Islam*, The Macmillan Company, New York, 1911 CE.
24. Mahnameh Payam.e Zan, "Mash'ali az Sooye Tarikhiha: Sairi dar Zendegi, Andisheha va Asar.e Banu Maryam Jameela" (*A Torch in the Darkness: A Journey into the Life, Thoughts, and Works of Lady Maryam Jameela*), Special Magazine on Women and Family Issues, Vol. 15, No. 11-12, pp. 87-378, 1385 SH (2016 CE).
25. Martin, Richard C., *Negarshha.ye Eslam dar Motale'ate Adyan (Perspectives on Islam in Religious Studies)*, Edited and Translated by Mehrdad Abbasi, Tehran: Hekmat, 1396 SH (2017 CE).
26. McAuliffe, Jane Dammen, *The Persistent Power of the Qur'an*, Proceedings of the American Philosophical Society, Vol. 147, No. 4: 339-346, 2003 CE.
27. Nasr, Seyyed H0ssein, et al., *Tafsir.e Ma'aseraneh.ye Quran Karim (The Comprehensive Exposition of the Interpretation of the Verses of the Quran) (Volume I)*, Translated and Researched by Enshaallah Rahmati, Tehran: Sofia, 1399 SH (2020 CE).
28. Newman, N. A., *The Early Christian-Muslim Dialogue*, Interdisciplinary Research Institute, Pennsylvania, pp. 71-74, 1993 CE.



29. Nilsaz, Nusrat, “*Barrasi va Naqd.e Didegah.e Wansbrough darbareh Tasbit.e Naha'i Matn.e Quran*” (*Analysis and Critique of Wansbrough's View on the Finalization of the Quranic Text*), *Maqalat va Barrasiha*, No. 88, pp. 151-170, Summer 1387 SH (2008 CE)
30. Nilsaz, Nusrat, “*Mirath.e Binazir.e Masjid.e Jame'e Sana'a*” (*The Unique Heritage of the Great Mosque of Sana'a*), *Ayeneh Pazhuhash*, No. 122, pp. 19-25, 1389 SH (2010 CE).
31. Nilsaz, Nusrat, “*Moroori bar Ketab Quran dar Bastar.e Tarikhi.ye An*” (*A Review of the Book “Quran in Its Historical Context”*), *Naqd.e Ketab: Quran va Hadith*, Vol. 2, No. 5, pp. 153-170, Spring 1395 SH (2016 CE).
32. Novv, Yehuda, Corn, J., *Rooykardha.ye Roshmand be Motale'ate Eslami* (*Systematic Approaches to Islamic Studies*), Translated by Shadi Nafisi, *Ayeneh Pazhoohesh*, No. 114, pp. 2-19, Bahman & Isfand 1387 SH (January and February 2009 CE).
33. Rafiei, Mohammad Hossein, “*Parhaye Eslamshenasi (4) Eslam Shenasi dar Gharb (1): Barrasi Asar.e Robert Holland*” (*Islamic Studies Fragments (4): Islamic Studies in the West (1): Examining the Works of Robert Holland*), *Ayeneh Pazhoohesh*, No. 148, pp. 63-77, Mehr and Aban 1393 SH (September and October 2014 CE).
34. Reynolds, Gabriel Said, *Biblical Background*, in: *The Wiley Blackwell Companion to the Qur'ān*, 2<sup>nd</sup> Edition, Andrew Rippin and Jawid Mojaddedi (editors), John Wiley & Sons Ltd, pp. 303-319, p. 318, 2017 CE.
35. Reynolds, Gabriel Said, *The Golden age of Quranic Studies*, in: *New Perspectives on the Quran: The Quran in its historical context 2*: 1-21, Routledge, 2011 CE.
36. Reynolds, Gabriel Said, *The Quran and Its Biblical Subtext*, Routledge, 2010 CE.

37. Riahi Mehr, Baqer; Tayibi, Zainab, Criticism of the new skepticism approach in Orientalists' Qur'anic studies, *Orientalists' Qur'an Studies bi-quarterly*, Vol17, No32, spring and summer 1401SH, 2022CE. pp. 71-94
38. Schöller, Marco, *Post-Enlightenment Academic Study of the Qurān*, in *Encyclopedia of the Qurān*, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden – Boston: 193-208, 2004 CE.
39. Segovia, Carlos A., *Review of "The Qur'ān: A Revised Translation (ed. Jane McAuliffe)"*, *Reviews of the Enoch Seminar* 2017.11.09, *The Enoch Seminar Online* 2017 ([www.enochseminar.org](http://www.enochseminar.org)), 2017 CE.
40. Sirry, Mun'im, *New Trends in Qurānic Studies. Text, Context, and Interpretation*, Atlanta, Georgia, Lockwood Press, 2019 CE.
41. Tolan, John V., *Faces of Mohammad: Western Perceptions of the Prophet of Islam from the Middle Ages to Today*, Princeton University Press, 2019 CE.
42. Torrey, Charles C., *The Commercial-Theological Terms in the Koran*, Leyden. E. J. Brill, 1892 CE.
43. Torrey, Charles Cutler, *The Jewish Foundation of Islam*, New York: Jewish Institute of Religion, 1933 CE.
44. Torrey, Charles Cutler, *Three Difficult Passages in the Koran*, in: *A volume of Oriental Studies Presented to E. G. Browne*, ed. T. W. Arnold and R. A. Nicholson, Cambridge: 470-471, 1922 CE.
45. Turkmani, Hussein Ali, Mohammadi, Javad, "Arzyabi.e Pazhuhishha.ye Jean Doman McOuliffe" (*Evaluation of the Research of Jane Dammen McAuliffe*), *Bi-Annual Journal of Orientalists' Quran Studies*, Vol. 9, No. 17, pp. 31-52, 1393 SH (2014 CE).
46. Waldman, Marilyn Robinson, *New Approaches To "Biblical" Materials In The Quran*, In: *The Muslim World*, Vol. LXXV January, No. 1, pp. 1-13, 1985 CE.
47. Waldman, Marilyn, "Zehne Badavi/Zehne Modern: Negarish.haye Jadid be Mas'aley Qadim dar Eslam" (*Primitive Mind/Modern Mind: New Perspectives on an Ancient Issue in Islam*), Translated by Mohammad Hossein Mohammadpour, *Negarish.haye be Eslam dar Motale'ate Adyan (Perspectives on Islam in Religious Studies)*, pp. 153-173, 1396 SH (2017 CE).



48. Wasserstrom, Steve M., Marilyn Robinson Waldman: April 13, 1943 - July 8, 1996, *History of Religions*, (The University of Chicago Press), Vol. 37, No. 1: 1.2, 1997 CE.
49. Zamani, Mohammad Hassan, *Sharqshenasi va Eslamshenasi\_ye Gharbian (Orientalism and Western Scholars' Islamic Studies: History, Objectives, Schools, and Scope of Orientalists' Activities)*, Qom: Bustan\_e Ketab Institute (Center for Publication and Printing of the Islamic Preaching Office of Qom Seminary), 1385 SH (2016 CE).